

بررسی دیوان عایشه افغانی درانی

ابراهیم زاده گرجی

نوشتار ذیل بررسی و نقدی است بر دفتر شعر بانویی از افغانستان که حدود دو قرن پیش زندگی می کرد. این دفتر، سال پیش در تهران با مشخصات زیر به همت بانوی افغانی دیگری توسط ناشری از این سرزمین چاپ و منتشر شد.

- دیوان عایشه درانی

- ویرایش، مقدمه، فهرست ها: دکتر عفت مستشارنیا

- ناشر: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)

- چاپ اول: ۱۳۸۶

- شمارگان: ۳۰۰۰

باشی» جانش را در درگیری کشمیر از دست می دهد. یکی از بخش های اساسی دیوان، مویه های مادرانه عایشه در مرگ فرزند جوان است که بدان خواهیم پرداخت و با وجود داشتن ۴ تن دختر، احساس تنهایی می کند و آرامش ندارد.

سوم

دیوان عایشه درانی بنت یعقوب علی خان، شاعره ای فارسی زبان از افغانستان در نیمه دوم قرن دوازدهم و نیمه اول قرن سیزدهم، در سال ۱۲۳۲ تدوین شد و «در تاریخ پنجم رمضان سنه ۱۳۰۵ هجری»، «حضرت پادشاه اسلام پناه، امیر ابن الامیر ابن الامیر عبدالرحمان خان دام سلطنته، کتاب مرحومه را در چاپخانه سرکاری داده، امر نمودند که چاپ شود به انتظام سیادت پناه میر محمد عظیم خان سارجن میجر و به اهتمام هیچمدان آفاق، منشی عبدالرزاق بیک» (۳۵۴) در حالی که تا این تاریخ در «کتابخانه خسروی از ناقدردانی، کسی به او نمی پرداخت» (۳۵۴) در دوره جدید نیز به اهتمام دکتر عفت مستشارنیا آماده و چاپ اول آن سال گذشته در ۳۰۰۰ نسخه در مؤسسه انتشارات عرفان و به قیمت ۴۰۰۰ تومان روانه بازار کتاب شد. تا آن جا که این بنده آثاری از این انتشارات از نویسندگان افغانی دیده، نشانگر همت این ناشر افغانی در ترویج فرهنگ اهل دین و دانش و ادبیات افغانستان است و در کابل و تهران دفتر دارد. و ناشر با این مشخصه شناخته می شود «محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)»

اول و آخر و هم باطن و اظهار یکی است
هم کریم و کرم و غافر و غفار یکی است
(ص ۳۵۴)

دوم

در این شعر، اطلاعات عمومی درباره شاعر از نام و مولد و منشأ و دوره زندگی و شغل خانوادگی افراد ذکور تا زمان اتمام تدوین این دفتر آمده است. اما نمی گوید همسرش کیست و در دیوان نیز اشاره ای بدان ندارد.

ویراستار، مقدمه نویس و فهرست نگار «دیوان عایشه درانی» خانم دکتر «عفت مستشارنیا» هموطن شاعر، اطلاعات افزون تری را درباره عایشه درانی در مقدمه کتاب آورده است.

گرچه درباره سال تولد وی ساکت است و از نام شوهرش نیز اظهار بی اطلاعی می کند (۲۱) و شغل همسر شاعر نیز نامشخص می ماند. سال مرگ شاعر را ۱۲۳۵ قمری نوشته است. عایشه دارای ۵ فرزند می شود؛ «فیض طلب» تنها پسر اوست که در ۲۵ سالگی (۱۲۲۷ قمری) در شغل «توپچی

اول

کاتبه عایشه از امتی شاه عرب
بنت یعقوب علی، والدة فیض طلب
قوم بارکزی و شاعره ملک وجود
عهد سلطان زمان بحر عطا شد محمود
پشت در پشت، خطاب آمده ما را منصب
توپچی باشی همه بودند ذوی الجاه و حسب
یوم پنجشنبه بد و بیست و شش از ماه رجب
یافت تحریر شکر گنج به مضمون ادب
یکهزار و دو صد و سی و دو از هجرت بود
که چنین نظم گه یار به ارقام نمود
ساعت چاشت بد این نسخه به اتمام رسید
که به ارباب خرد فرحت وی باد مزید
ساکن کابل و در موضع اونچی مرقوم
شده کین فطنت اشعار پذیرد مفهوم
رنج بسیار کشیدم چون سخن ضم کردم
هر زمان پاره ای از خون جگر کم کردم
خواهم آرمزش خود از کرم ربانی
زان که پاینده و باقی است ورا سلطانی

کتاب با حجم ۳۶۶ صفحه شامل، فهرست اشعار (۲۰-۷)، مقدمه مصحح (۲۱-۶۰)، مجموعه اشعار (۶۳-۳۵۴)، خاتمه الطبع و... (۳۵۵-۳۵۷) و پیوست ها شامل فهرست لغات، فهرست ترکیبات اسمی، فهرست ترکیبات فعلی، فهرست اماکن، ضرب المثل ها و تصویر الفبایی (۳۵۹-۳۶۶) با کاغذ مرغوب و صفحه آرای به نسبت خوب اما متداول در چاپ اشعار در قالب سنتی درآمده است. قبل از مقدمه مصحح و فهرست اشعار، «تصویر جلد اولین چاپ دیوان» با تزئین متداول آن دوران دیده می شود. «دیوان عایشه» را در وسط جلد طراحی کردند و ذیل آن، شاعر چنین معرفی شده است: «لولوی شاهوار درج عصمت ماه منیر برج عفت شاعره لائانی عایشه افغانی درانی» محتوای کتاب را همه قوالب رایج در شعر سنتی



○ تصویر جلد چاپ جدید دیوان

با مایه صورت و معنای تراوش شده از ذهن و زبان عایشه به زبان فارسی ساخته است؛ و فهرست کتاب نیز بر اساس مصراع اول اشعار به شرح ذیل تدوین یافته است؛ قصاید و غزلیات (۶۱ تا ۲۸۴)، مثنوی (۲۸۵-۲۹۵)، مخمس و ترجیع بند (۲۹۹-۳۰۶)، رباعیات و دوبیتی ها (۳۱۵-۳۳۷) و قطعات (۳۳۹-۳۵۴). بدین ترتیب قالب قصیده و غزلیات حجم اصلی کتاب را از آن خود کرده است. به طور کلی از نظر محتوایی شامل تحمیدیه خداوند سبحان، مدح و منقبت رسول الله (ص)، خلفای راشدین (با بسامدکم) اما مدح و منقبت امام علی و فرزندان (ع) و حضرت زهرا (س) با بسامد بالا. غزل های عاشقانه، شکوایه ها و اشعار عرفانی. در اشعار عرفانی چند تن از مرشدهایش را نیز نام می برد.

چهارم

نکته مهم و حائز اهمیت این است که تادوره زندگی عایشه افغانی درانی از هیچ شاعره ای دیوانی بدین حجم و کمتر از آن در تمام حوزه زبان فارسی (و مهمتر از همه ایران) کسی نشان نداده است. آثار معدودی از برخی شاعران زن در تذکره ها ضبط کرده اند که در اصل به عنوان زنان عارفه شناخته می شوند، بدین ترتیب این شاعره افغانی جایگاه مهمی در تاریخ ادبیات زبان فارسی به دلیل اشتغال به سرایش شعر دارد. به ویژه که برخی ابعاد ویژه زن نیز در آن تجلی یافته است.

یادآوری لازم این است که سروده های وی از نظر هنر شاعری (فنون بلاغت و صناعات ادبی) و حتی در حد تصویرسازی ها از چشم انداز یک زن چیز تازه و بکری ندارد. تکرار و تقلید از شاعران بزرگ گذشته بویژه حافظ علیه الرحمه است که مصحح محترم در مقدمه بدان پرداخته و یکبار خوانش این دفتر نیز خواننده را بدین مدعا قانع می سازد. تکرار و تقلید شاگردی مبتدی اما شیفته استاد.

- آن پری پیکر که سر تا پا بود چون کان قند
هم به شیرینی چو نخل نیشکر رفت و گذشت
(۱۳۵)

- ای سمنبر دست من در دامن
گر بمیرم خون من برگردنت
من نمی دانم چرا ای سنگدل
التفاتی نیست هرگز با منت
کی بگیرم در برت همچون قبا؟
تا شوم آسوده چون پیراهنت
دوش گفتمی می دهم کام دلت
گنگ بادا هر که او شد رهنزنت
ضم و بکم باد و مهرش بر زبان
کور بادا هر که باشد دشمنت
عایشه خواهد بقایت هر زمان
هم مدد بادا امام ضامنت

(۱۳۳)
بیت مقطع (تخلص) حیرت را برای خواننده دو
چندان می کند که سراینده، عایشه، نسوانی است که
زبان مردانه دارد.

با این حال نشانه هایی از ذهن و زبان زنانه نیز در
آثارش دیده می شود که معشوق پسری است مورد
خطاب عاشق (شاعر):

- ای نازنین پسر، به کجا می روی؟ بیا
شیرین لب شکر، به کجا می روی؟ بیا...
ای شهریار حسن! جهانی گدای تست
سلطان نامور، به کجا می روی؟ بیا
سر و روان به جانب بستان یکی گذر
گلزار را نگر، به کجا می روی؟ بیا

(۹۳)
در مطلع اگر مورد خطاب «ای نازنین پسر» نبود
باز تفاوت با نمونه های گذشته نداشت، زیرا
اصطلاح ها و ترکیب ها همان هاست:

شیرین لب لشکر، رشک پری، شهریار حسن،
سلطان نامور، سروروان، (دارنده) مژگان دلفریب.
نکته جالب توجه این است، که به دلیل پیرو بودن
عایشه در شاعری و آن هم پیر و شاعران طرز عراقی،
به طور ناخودآگاه یا بدون توجه به ظرایف این طرز و
شیوه، شرح ماجرای شاعرانه او که زنی است با
مردان رقم می خورد. در حقیقت این دامی است که
سنت شعری زبان فارسی بر پای تفکر و اندیشه او
می پیچاند و او نیز بدون تأمل در عمق این سنت،
خود را در قالب جنس مذکر درمی آورد و در عالم
خیال هنری، ترد عشق با «ترک خونریز» می بازد.
البته فقط در مقطع شعر است که این راز آشکار
می شود، زیرا شاعر «تخلص» خود را با نام
واقعی اش رقم می زند.

- بذل خواهد عایشه از کتر فیض سرمدی
مس جان را بر تو لطفش چو اکسیری قناد

(بیت مقطع)

پنجم

زبان شاعرانه عایشه در چهار چوب طرز (سبک)
عراقی محصور است با همان نگاه به طبیعت، هستی
و انسان و روابط انسانی. از ویژگی های مهم این
سبک، زبان مردانه در تخاطب تغزلی است که به
حوزه واگویی های عرفانی نیز سرایت کرده است.
عایشه نیز در سرایش در چنین دایره ای ذهن و زبانش
را به تلاش وامی دارد؛ که مخاطب را گمراه می کند.
زیرا اگر شعرهایش را بدون اطلاع قبلی در اختیار
خواننده ای قرار دهیم، بدون شک فکر می کند
سراینده مذکر است، زیرا معشوق همان اوصافی را
دارد که در سروده های شاعران مذکر برای ما
آشناست:

- عمرم گذشت مدام به سو دای خال و خط
دارم به سر هوای تمنای خال و خط
هر کس بدید، جان و دل و عقل و دین بیاخت
از یک نگاه و شیوه رعنا ی خال و خط

(۲۰۶)
- در باغ خلد نیست نسیمی چو سنبش
دل تازه شد ز بوی چو نسیرین خال و خط

(۲۰۶)
- بهار حسن خوبان است گل بیز
سواد زلف ایشان مشک آمیز
دهانش چشمه آب حیات است
لب لعلش به شیرینی شکر ریز

(۱۹۷)
- لیلی صفتا! گشته ام از عشق تو مجنون
بگرفته دلم راه بیابان چو قلندر

(۱۸۶)
- ای شهریار حسن! بیا عذر من پذیر
هر چند تو پادشاه جهانی و ما فقیر

(۱۷۸)

که بیت مطلع و بعد آن چنین است:
 - دل به دام طره شبرنگ شبگیری فتاد
 رشته مشکین به گردن همچو زنجیری فتاد
 - «ترک خونریزی» که غیر از ظلم نبود عادتش
 کز خدنگ غمزه اش هر لحظه نخجیری فتاد
 (۱۶۲)

حال آن که سنت شعری عراقی حاکی است این «ترک خونریزی» و «شبگیر» جز ترک مردی نباید باشد.

نکته جالب دیگر این است که به دلیل تسلیم شدن در برابر رواج سنت شعری مردانه، و به علت عدم تأمل و تفکر در میزهای این سنت، ناگهان شاعره زبان فارسی در دام دیگری دچار می شود که بدون تردید اگر ذهن آزاد از این حصار داشت و در فضای بیرونی این معیارها تنفس می کرد، چنین اتفاقی نمی افتاد؛ مؤثتی عاشق و مؤثتی معشوق باشد؛ که خلاف اعتقاد و اصولی است که شاعر بدان ها پایبند است. روشن است، که معما وقتی رمزگشایی می شود که «تخلص عایشه» را در بیت پایانی بخوانیم؛ به نمونه آشکار مراجعه کنید (۲۴۹) با مطلع:

به کوه و دشت و بیابان روم دل پر خون
 ز آب دیده کنم کوه و دشت را جیحون
 و بیت بعدی:

ز شوق گلرخ لیلی و شی پری پیکر
 دریده جامه به تن از فراق چون مجنون
 به نظر می رسد این تناقض در صورتی حل شدنی بود که زنان بیشتری وارد میدان زور آزمایی طبیعی با شاعران مرد می شدند و سنت خاص شعر همراه با فرهنگ زنانه را رواج می دادند.

ششم - نقطه عطف

یکی از مهمترین فرازهای این دیوان، به مرگ پسر شاعر مربوط می شود. آن هم در ۲۵ سالگی، در جنگی در کشمیر. «فیض طلب» به عنوان «توپچی» - شغل خانوادگی - در جنگ شرکت می کند و گلوله ای، رگ حیات او را قطع می کند.

- در کوه و دشت و خطه کشمیر واژگون
 شد خانه ام خراب به یک گله تفنگ

(۲۱۴)
 چنین مرگی، مادر را - چنان تمام مادران - در آتش اشتیاق و فراق می نشاند و عاطفه مادرانه از دل سوخته فوران می کند. در این نوع سروده هاست که ذهن و زبان و فکر و روح و جسم زنان به تقریب با تمام مختصات خود را نشان می دهد آن هم در زبان احساسی و عاطفی و رقت انگیز که به صورت طبیعی در جان زنان خانه کرده است. گرچه در این فرازها نیز، عایشه نمی تواند خود را از سنت شاعری زمان رها کند، بدین ترتیب باز همان اصطلاح ها، ترکیب ها، تصویرها و ایماژها را برای شرح سوز و گداز خود در این اندوه و الم ویرانگر به کار می گیرد.
 - حسرتا، مسکن به خاک تیره کرد آن نازنین
 با دوا بروی هلال و با دو چشم نرگسین



● تصویر جلد اولین چاپ دیوان عایشه درانی

شمع بزم افروز خوبان، سامی ملک نظام
 با قد سرو و رخی چون ماه و خط عبرین

(۳۰۹)
 این ماجرا، چنان که از اشعار برمی آید، گفت و گوی اسفندیار و مادرش را به یاد می آورد، هنگامی که اسفندیار قصد رفتن به نبرد رستم می کند، «کتایون»، فرزند را از این تصمیم خام بازمی دارد اما اسفندیار از نصایح مادر تن می زند و گرفتار سرنوشتی می شود که می دانیم.
 «فیض طلب» نیز همین ماجرا را با مادرش - عایشه - دارد و سرانجام به سرنوشت اسفندیار می پیوندد:

- بیای ای فیض طلب ترک سفر کن
 خیال جاهلی از سر به در کن
 اگر هر چند داری ذوق کشمیر
 به حال مادر بی کس نظر کن

(۳۳۶)
 هفتم - شکوه های انتقادی
 یکی از ویژگی های این دفتر، شکوه های انتقادی - بعضاً تند - است که شاعر از جامعه و حکومت وقت می کند که بیشتر ناشی از ستمی است که بر او و خانواده اش روا داشته اند. به نظر می رسد بخشی از این شکوه ها پس از آن شکل گرفت که عایشه همسر (که در دیوان هیچ معلوم نیست چرا؟ چگونه؟) و فرزند پسرش را از دست داد و بدون حامی در جامعه مردسالار و مستبد تنها ماند.

- شاه محمود که و صفش به زبان ناید راست
 حیف کز مملکت خویش بسی بی خبر است
 عدل و انصاف ندارد، نبود غور و تمیز
 ورنه ذوالفهم و خرد صاحب عقل و هنر است
 ضبط و ریبطی نبود حشمت خاقانی را
 بوالعجب عصر بود، بیم پدر از پسر است
 ... اهل علوی همه سفلی شده، سفلی علوی

همچو رفاص نگر چرخ فلک جلوه گر است
 مادر فیض طلب سوخته در نار فراق
 کشور روی زمین در نظرش چون سقرست
 (۱۱۱)

و نمونه های دیگر از جمله در صفحه های ۱۵۸/۱۷۸

در حقیقت فشار زندگی و مرگ جانسوز فرزند و جفای حکومت به وی، عایشه را بسیار تندخو و عصبی و مایوس کرده است.

- مال و ملکم را شجاع الملک شه بر باد داد
 دست خالی جیب بی پل (پول) خوش نمی آید مرا
 (۹۱)

یادآوری

گذشته از تقلیدی بودن اشعار که سبب شده است تا حس و حال شاعرانه و هنرمندانه در دیوان نادر باشد، بعضاً اشتباه های نحوی و گاهی (کم) وزنی دیده می شود که در مواردی مصحح محترم می توانست آنها را به صورت درست درآورد. مصحح محترم در مقدمه مواردی را با علت آنها آورده است؛ درباره وزن، تغییر صورت اصلی کلمه ها یا در جمع بستن و ... (۵۷-۵۸) و با این توضیح: «مطالعه و بررسی اشعار عایشه نشان می دهد که وی به اصلاح اشعار خود نپرداخته است و احتمالاً آن را به استادی نشان نداده است... پاره ای از مصراع ها و ابیات او از نظر وزن اشکال دارد...» (۵۷)

با این حال وظیفه مصحح، آیا غیر از این است تا حد امکان چنین اشتباه های آشکار را اصلاح یا از متن خارج و در جایی خارج از متن بدان اشاره کند؟ متأسفانه مصحح محترم چنین نکرده است، امید که در چاپ بعدی (؟) جبران کند.

هشتم

این یادآوری نیز لازم است؛ مصحح محترم سال مرگ عایشه شاعر را ۱۲۳۵ قمری نوشته اند (۲۶ مقدمه) و یاد آور شده اند این اتفاق سه سال پس از تدوین دیوان شعرش در سال ۱۲۳۲ قمری افتاده است (همان)، بنابراین عایشه در قرن سیزدهم چشم از جهان بریست و زندگی وی در سالی از نیمه دوم قرن دوازدهم تا سال سی و پنجم از قرن سیزدهم ادامه یافت، اما معلوم نیست، چرا مصحح محترم خانم دکتر عفت مستشارنیا، مقدمه اش را چنین آغاز می کند:

«عایشه» درانی در سده یازدهم قمری، در خانواده ای که منتسب به سلسله حاکم، درانی سدوزایی بود، دیده به جهان گشود. (۲۱/مقدمه) در حالی که «هر سه دوره زندگی» شاعر را «با دوران حکومت احمد شاه درانی (۱۱۶۱-۱۱۸۶ ق.ه) بنیانگذار حکومت درانی سدوزایی و ... حکومت دوباره شاه محمود (۱۲۲۴-۱۲۴۴ ق.ه)» همزمان می داند. (۲۶) و از قضا طبق این تاریخ ها هیچ کدام در قرن یازدهم زندگی نمی کنند.